

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۲۱-۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۲۹
مقاله: پژوهشی

ساده‌زیستی کارگزاران و ثبات نظام سیاسی؛ مبانی قرآنی و روائی اندیشه امام خمینی(ره)

بهروز رشیدی* / مسعود جعفری نژاد** / یحیی فوزی***

چکیده

در قرآن کریم بر ضرورت ساده‌زیستی تأکید فراوان شده است. از منظر قرآن کریم ساده‌زیستی از یک سو موجب سلامت نفس و حفظ تقوی و همدلی و همیاری با محرومان و مستضعفان و رسیدگی به امور آنان می‌شود، از سوی دیگر از دیدگاه قرآن خوی استکباری و اشرافی و تکاثر و اسراف و اتراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و دنیاپرستی ناشی از آن از عوامل اصلی غفلت، لهو و لعب و فراموش کردن خداوند است و ظلم و ستم و تعدی به حقوق دیگران از نتایج طبیعی آن خواهد بود. امام خمینی(ره) که به معارف اسلامی اشراف کامل داشت با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و روایی همواره در سیره عملی و نظری خود از یک سو ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و تفاخر را سرلوحه زندگی خود قرار داد و از سوی دیگر با دغدغه‌ای کاملاً مشهود و مبرز از بدو بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی ایران به دولتمردان، کارگزاران سیاسی، متصدیان و مدیران ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت مؤکد بر حفظ ساده‌زیستی و تواضع و پرهیز از تجمل‌گرایی و رفاه طلبی و به تعبیر خودشان حفظ خوی کوخ‌نشینی و پرهیز از خوی کاخ‌نشینی تأکید مصرانه داشت. این مقاله درصدد بررسی بنیان‌های قرآنی و روایی اندیشه امام خمینی در این زمینه و تأثیرپذیری آن حضرت از این آموزه‌هاست.

کلیدواژه‌ها:

ساده‌زیستی؛ تجمل‌گرایی؛ قرآن کریم؛ روایات و احادیث؛ امام خمینی(ره).

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

beh.r272@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران(نویسنده مسؤول).

pegah420ma@yahoo.com

*** استاد علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

yahyafozi@yahoo.com

مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم و معصومین(ع) و بزرگان دین در احادیث و روایات خود هیچ‌گاه برخورداری به مقدا نیاز و ضرورت از متاع دنیوی و لذایذ حلال و تفریحات سالم را نه تنها مذمت نکرده‌اند بلکه آن را ضروری و لازم و تلاش در جهت حفظ معیشت را در ردیف جهاد و واجبات و وظایف مؤمن دانسته‌اند، لکن آن‌چه در قرآن و سنت و سیره به شدت مورد نکوهش و ملامت قرار گرفته تجمل‌گرایی، دنیا دوستی، رفاه‌طلبی، زراندوزی و انباشت سرمایه و اسراف و تبذیر، اتراف و تکاثر است که این خصال عواقب سوء و هلاک‌کننده فردی و اجتماعی دربر دارد. در آموزه‌های اسلامی با استناد به قرآن و روایات بروز خصلت و ویژگی دنیاپرستی و روحیه تکاثر و تجمل‌گرایی موجب تعدی، ظلم و ستم و استثمار دیگران از سوی تکاثرگرایان و غفلت از خوی انسانی و یاد و عبادت خداوند خواهد شد که نتیجه طبیعی آن در بُعد اجتماعی تجمیع ثروت در دست عده‌ای و استضعاف و استثمار عده‌ای دیگر خواهد بود و لذا ظهور جامعه‌ای طبقاتی و پدید آمدن دو قشر مستکبر و مستضعف حاصل آن است، بی‌عدالتی اجتماعی و ظلم و ستم ناشی از دنیا طلبی و تکاثر و روحیه استکباری و تفاخر نتایج اجتماعی دیگر مانند استضعاف، فقر، ناداری را بدنبال دارد و این امر موجبات انواع و اقسام فسادها و انحراف‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌آورد. زمانی که به این دلائل سلامت اجتماعی از دست رفت زمینه‌های بی‌ثباتی و اضمحلال جوامع سیاسی فراهم می‌آید و این یک قانون الهی است که قرآن با ذکر سرنوشت امم و ملل گذشته به آن پرداخته است. علاوه بر قرآن، سنت و سیره پیامبر اسلام حاکی از عمل و توصیه و اندرز به ساده‌زیستی است. آن حضرت هم به عنوان نبی و رسول و هم به عنوان رهبر سیاسی، حاکم و دولتمرد در کمال سادگی زندگی می‌کرد. پیامبر اسلام به‌سان دیگران کار می‌کرد درحالی که حاکم جامعه بود، زندگی آن حضرت بدور از هرگونه آرایش و آرایش و تفاخر و تجمل، بسان مردمان عادی بود. و بدینسان سنگ‌بنایی بنیاد نهاد تا الگوئی برای همه دولتمردان و کارگزاران سیاسی و مدیران ارشد جامعه باشد. نمونه دیگر در این زمینه امام علی(ع) می‌باشد که قبل و بعد از زمامداری الگوئی کم‌نظیر برای مسلمانان و به ویژه شیعیان می‌باشد. زندگی و زمامداری و سخنان و توصیه‌های او به زمامداران و کارگزاران سیاسی علاوه بر مسلمانان مورد ستایش و مدح دیگران نیز می‌باشد.

امام خمینی(ره) که بینش و جهان‌بینی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناختی او ملهم از آموزه‌های اسلامی به ویژه قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر اسلام(ص) و معصومین(ع) است، نیز از این منظر به نظام سیاسی و چگونگی عملکرد و وظیفه دولتمردان و کارگزاران سیاسی می‌نگرد و با الهام از سنت و سلوک اسلامی، ساده‌زیستی دولتمردان و کارگزاران سیاسی را برای حفظ ثبات و سلامت نظام سیاسی و مشخصاً نظام جمهوری اسلامی ایران ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌داند. بدین لحاظ است که امام خمینی(ره) همزمان با عهده‌دار شدن رهبری جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس با حساسیت و دغدغه تام و تمام با اندرزها و توصیه‌های مؤکد به دولتمردان و کارگزاران سیاسی و مدیران ارشد، ضرورت حفظ ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی و تشریفات را گوشزد می‌نماید و البته خود نیز به عنوان رهبر جامعه اسلامی در سیره عملی این اصل را رعایت می‌کند.

۱. قرآن کریم

آموزه‌های قرآن کریم در مورد نقش ساده‌زیستی در سلامت نفس انسان و نیز در اصلاح اجتماعی و ثبات و دوام و قوام جوامع و از سوی دیگر نقش مخرب اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی در انحراف جوامع از مسیر حق و عدالت و به تبع آن اضمحلال آن جوامع و هلاکت مردمان آن، بسیار پندآموز و قابل توجه است. به صورت کلی از مفاهیم قرآنی به ویژه قصه‌های قرآنی که در مورد سرنوشت و سرگذشت امم و جوامع گذشته آمده و پرداختن قرآن به داستان مبارزه و دعوت پیامبران الهی و توحیدی به وضوح چنین برمی‌آید که در یک اصل و قاعده کلی و قانون الهی جوامعی که دست به تکاثر و اتراف و زندگی استکباری مبتنی بر فخرفروشی یازیدند به فساد گرائیده شده، مسیر حق و توحید را فراموش نموده و به دلیل همین فساد ناشی از دنیاگرایی و گرفتار آمدن به آفات ظواهر و زرق و برق دنیا مسیر انحطاط را پیموده و سرانجام در اثر بی‌عدالتی و ستم به فرودستان و مستضعفان و کفران نعمت و فراموشی خداوند و نپذیرفتن دعوت پیامبران خود که مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی در استفاده از نعمات و برقراری قسط و عدل و میزان بوده و اصرار ورزیدن بر سلوک ناپسند خود سرانجام مورد عقوبت و عذاب الهی قرار گرفتند.

قرآن کریم خوش‌گذرانی و بیهوده‌گرائی ناشی از آن را عامل سقوط می‌شمارد(قصص، ۵۸) خداوند متعال اتراف و ترفه را از عوامل سقوط و نابودی جوامع شمرده، جوامعی که توانگران و خوش‌گذاران آن به دلیل اسراف دچار فساد شدند(اسراء، ۱۶). این آیات دلالت بر یکی از

سنت‌های قطعی پروردگار دربارهٔ هلاکت مردمان و جوامع در اثر تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی غفلت‌آوری دارد که مایه فساد و فسق و فجور می‌گردد. قرآن کریم دنیاگرایی را موجب سلب بینش صحیح از انسان می‌داند که مانع حق‌طلبی می‌گردد (توبه، ۸۶ و ۸۷). در تفسیر الکاشف آمده است که مقصود این آیات مترفین و ستمکاران هستند که از هر چیزی که با منافعیشان تضاد داشته باشد دوری کنند (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۳۷). بنابراین منظور کسانی هستند که دارای زندگی رفاه‌گونه به همراه قدرت و ثروت کافی هستند.

قرآن کریم علاقه‌مندی به دنیا که دقیقاً مقابل زهدورزی نسبت به دنیاست را عامل زیبا شدن عیوب و زشتی‌ها دانسته است (نمل، ۲۴ و یوسف، ۱۸). آیت‌الله مصباح‌یزدی در تفسیر این آیه از این تعبیر پر مفهوم استفاده می‌کند که: عاشق عیب‌ها و زشتی‌های معشوق را نمی‌بیند و دنیاطلب عیوب دنیا را نمی‌بیند (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۱۸). قرآن کریم از کسانی که صرفاً برای کسب تلذذ مادی به مصرف روی می‌آورند و توجهی به مسأله تکامل ندارند نه تنها انتقاد می‌کند بلکه حتی در یک مورد آنان را به چهارپایان تشبیه می‌کند (محمد، ۱۲). از منظر قرآن انسان به وسیله مصرف مفرط و یا اموال خارج از حدود شیطان‌زده می‌شود (بقره، ۲۷۵) و آن‌گاه چه بسا در رفاه مطلق خداوند را فراموش کند.

قرآن کریم دنیا و مظاهر آن را سطحی و ناپایدار می‌داند (بقره، ۲۱۲) و آن را مایه فریب و غرور قلمداد می‌کند (آل عمران: ۱۸۵) و به بازیچه‌ای کودکانه و هوسرانی بی‌خردان تعبیر می‌کند (انعام: ۳۲) و لذا انسان را از دنیاگرایی و دنیاپرستی برحذر می‌دارد و متاع دنیا را به سان گیاهی می‌داند که از زمین بروید و دنیاپرست را به شگفت آورد و سپس بنگرد که زود خشک شود و بپوسد (حدید، ۲۰).

از مجموع این قبیل آیات به خوبی مشهود است که تمایل و دل‌بستگی به دنیا موجب بی‌هدفی (لعب) و سرگرمی (لهو) و تجمل‌پرستی (زینت) و حب مقام و ریاست و برتری‌جوئی بر دیگران (تفاخر) و حرص و آز و فزون‌طلبی (تکاثر) می‌شود و عشق به آن سرچشمه انواع مظالم و گناهان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۳: ۶-۳۵۷).

قرآن ذخیره‌کنندگان طلا و نقره را که در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناک بشارت می‌دهد (توبه: ۲۴) و به آنان که مال جمع کرده به حساب و شمارش سرگرمند و می‌پندارند عمر ابدی دارند و بواسطه مال و منال خود از دیگران عیب‌جوئی می‌کنند و هرزه‌زبانند به شدت انذار می‌دهد (همزه، ۱ و ۲ و ۳).

تفسیر کشف‌الاسرار مصداق این قبیل افراد موردنظر قرآن را کسانی می‌داند که در دنیا همت آنان فقط به گرد آوردن مال از هر راه و از هر وجه می‌باشد که از حرام و شبهت نمی‌پرهیزند و پیوسته در چنگال حرص و آز گرفتارند و قرین تکبر و غرور هستند و چون فرعون و قارون غرق در طوفان طغیان و فساد و تباهی گشته مال بدفرجام راه دین آنان را می‌بندد (میبندی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۳۷) شهوات و حب کثرت مال که هر دو مذموم و ناپسند است، مربوط به شیطان یا نفس اماره می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵-۱۸۴) و کسانی که به این نفس اماره و دنیای مزموم میدان دهند، خود در آن غرق و زیان‌کار شوند، به واسطه از یاد بردن خدا (المنافقون، ۹). با توجه به مطالب گفته شده معلوم می‌شود که از دیدگاه قرآن کریم ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و رفاه‌طلبی و مظاهر آن موجب سلامت نفس فردی و سلامت و اصلاح اجتماعی می‌شود و برعکس تجمل‌گرایی و غرق شدن در مظاهر دنیوی فساد فردی و اجتماعی را بدنبال دارد و در نتیجه عامل انحرافات فردی و اجتماعی و هلاکت افراد و اقوام و ملل است. لذا از منظر قرآن کریم حفظ ساده‌زیستی و رعایت اعتدال در مصرف منابع و نعمات الهی، از مهمترین عوامل ثبات و سلامت اجتماعی و از سوی دیگر اتراف و تبذیر و اسراف و تجمل‌گرایی و فخرفروشی از عوامل مهم عدم سلامت و ثبات جوامع و حتی انحطاط و اضمحلال آنان در اثر گناهان و فساد ناشی از آن است که غضب و عذاب الهی را بدنبال دارد.

قرآن برای شناخت جوامع دو نوع الگو ارائه داده است که به نظر می‌رسد با الگوهای جامعه‌شناسان معاصر همخوانی دارد. اولی شناخت جامعه به ویژه به عنوان نظام واحد با هدف درک عناصر ضروری برای پیدایش و بقای آن نظام است که این شیوه را تحت عنوان «روش تحلیلی» می‌توان بررسی کرد، الگوی دوم، مقایسه چند جامعه به عنوان نظام‌های مجزا جهت کشف قانونمندی‌های آنهاست که تحت عنوان «روش تطبیقی» قابل بررسی است (خانمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۵).

در مورد روش تحلیلی که قرآن به آن می‌پردازد می‌توان سرگذشت جامعه «سبا» را مثال زد که قرآن کریم با استفاده از این روش به آن پرداخته است ولی به نظر می‌رسد قرآن بیشتر براساس شیوه تطبیقی جوامع را بررسی نموده است. این روش از شیوه‌های مرسوم قرآنی جهت پند گرفتن از سرنوشت جوامع پیشین است. قرآن کریم در سوره‌های قصص، هود و نحل در این زمینه الگوهایی ارائه کرده است، لیکن الگوی ارائه شده در سوره شعرا از صراحت بیشتری برخوردار است. در قرآن کریم براساس سرگذشت اقوام هشت‌گانه طبق روال سوره شعرا به

اختصار بیان و عامل عمده فروپاشی آن‌ها ذکر می‌شود که هر کدام می‌تواند آینه عبرتی برای جویندگان قانونمندی‌های حیات اجتماعی باشد. در عین حال از برآیند مجموعه صفت‌های اقوام پیشین می‌توان عناصر اصلی و سازنده یک نظام بهینه را تشخیص داد (خان محمدی، ۱۳۹۵: ۲۰).

اینک به اختصار و در حد مجال این مقاله به بررسی سرگذشت و سرنوشت برخی از جوامعی می‌پردازیم که به دلیل از کف نهادن سلوک و خوی ساده‌زیستی و عدم رعایت اعتدال در مصرف و مواهب الهی و افراط در مصرف و تجمل‌گرایی و تفاخر و اسراف و تبطیر و فساد ناشی از آن دچار فروپاشی و اضمحلال گردیدند.

۱-۱. قوم عاد (هود)

قوم عاد به علت نپذیرفتن دعوت هود و تمرد از فرمان الهی به عذاب سخت خداوندی گرفتار آمدند و به هلاکت رسیدند که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده است (ذاریات: ۴۱ به بعد، حاقه ۶ به بعد، قمر ۱۸ به بعد) قرآن کریم در مورد قوم عاد رفاه کاذب و بیهوده را مانع حق‌پذیری و عدم اطاعت از رسول خدا معرفی نموده (شعرا: ۱۲۸) تفسیر نور یکی از پیام‌های این آیه را چنین دانسته است که تمدن و رفاه کاذب عامل غرور و مانع حق‌پذیری است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۳۴۸).

۱-۲. قوم ثمود

این قوم به همان اندازه که دل به دنیا بسته بودند، دل از امور معنوی بریده بودند و حکومت ملوک‌الطوایفی، قبیلگی، ملی‌گرایی و تبعیضات نژادی سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کرد. این قوم دعوت حضرت صالح را نپذیرفتند و به فساد خود ادامه دادند. حضرت صالح به آن‌ها گفت شما از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید، این امور شما را سرمست و غافل ساخته است، از زندان خودپرستی بیرون آیید و به فضای خداپرستی وارد شوید. (همان) در آیه‌های ۷۵ و ۷۶ سوره اعراف مخالفان حضرت صالح به عنوان مَلَأُ و مستکبران و مؤمنان به او به عنوان مستضعفان ذکر شده‌اند. همچنین قرآن می‌فرماید «از اسراف‌کاران و دنیاپرستان مرفه پیروی نکنید، آنان که به فساد و تباهی دامن می‌زنند و فکر اصلاح نیستند (شعرا: ۱۴۳ تا ۱۵۲) آیه ۶۶ سوره هود حاکی است که عذاب سختی بر قوم ثمود وارد شد و همه جز صالح و مؤمنان به او را به هلاکت رسانید.

۳-۱. قوم لوط

قوم لوط به دلیل خوش‌گذرانی و غرق شدن در مادیات به مفسد اخلاقی شرم‌آوری عادت کرده بودند و سر لواط شرط‌بندی می‌کردند، لباس‌های فاخر بلندی می‌پوشیدند و دکمه‌های کت و پیراهنشان را می‌گشوند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۱۵۱) در آیه ۲۹ سوره عنکبوت آمده: «با یکدیگر در ملاء عام کارهای رکیک و زشت انجام می‌دادند» از آیات قرآن از جمله آیه ۲۸ سوره عنکبوت استفاده می‌شود که زشتکاری قوم لوط به گونه‌ای زنده بود که در میان هیچ قوم و ملتی سابقه نداشت. به هر حال این قوم به سخت‌ترین عذاب الهی گرفتار شدند (قمی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵۱۶) در مورد سرکشی و لجاجت قوم لوط آیات ۶۰ تا ۷۵ سوره انبیاء مبین این موضوع است.

موارد دیگری در قرآن هست که به دلیل محدودیت در حد یک مقاله مجال پرداختن به آن نیست. از دیگر موارد ذکر شده در قرآن سرگذشت قوم «ایکه» (هود: ۸۷ و ۹۱ و شعرا: ۱۷۶ تا ۱۹۰) (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۹۳) و فرعون و قارون است. از آیات متعدد قرآن از جمله آیه ۳۹ عنکبوت و ۲۴ مؤمن فهمیده می‌شود که حضرت موسی (ع) از آغاز برای مبارزه با سه شخص فرستاده شد که عبارتند از فرعون (سمبل طغیان و سرکشی و حاکمیت ظلم) و هامان (سمبل و مظهر شیطنت و طرحهای شیطانی) و قارون (مظهر سرمایه‌داری استثمار و ثروت‌اندزی) و همچنین سرگذشت هلاکت قوم سبأ (سبأ: آیات ۱۵ تا ۱۹) قوم بنی‌اسرائیل (بقره: ۶۱) و سرگذشت دو برادر بنام‌های تلمیخا و فطرس (طبرسی، ۱۳۵۳: ج ۶، ۴۶۸ و سوره کهف آیات ۳۲ تا ۴۴).

قرآن کریم از سرگذشت اقوام گذشته به عنوان درس عبرت به آیندگان پند و اندرز می‌دهد که مراقب باشید دچار اعمال ناپسند این اقوام نشوید که این امر مستوجب مجازات و اضمحلال و هلاکت است.

۳-۲. سیره نبوی

در سیره فرستادگان و رسل الهی ساده‌زیستی و بی‌پیرایگی جلوه‌ای خاص در رفتار، معاشرت و نشست و برخاست آنان دارد و همین ساده‌زیستی و بی‌پیرایگی و دوری از تجملات و تفاخر بود که مردم را به سوی آنان جلب می‌کرد و دعوت آن‌ها فراگیر می‌شد. پیامبر اسلام نمونه و اسوه ساده‌زیستی است. آن حضرت از دنیاگرایی بیزار بود و به شدت از آن اجتناب می‌کرد و در

۱. اعراف: ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۰ و ۱۳۳؛ شعرا: ۶۳؛ طه: ۷۷؛ یونس: ۹۰ تا ۹۲؛ قصص: ۴، ۷۶، ۷۹ و ۸۰.

همه امور از جمله پوشاک، خوراک، سلوک و منش، نشست و برخاست با دیگران، سادگی و بی‌پیرایگی را رعایت می‌کرد. تواضع پیامبر اسلام زبان زد است. چنانچه حضرت علی(ع) در توصیف ساده زیستی پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: برای تو کافی است که رسول خدا(ص) را اطاعت نمائی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و بسیاری خواری و زشتی‌های آن باشد. چه این که دل‌بستگی‌های آن از او گرفته شده، از نوش آن نخورد و از زیورهایش بهره نبرد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰).

۲-۱. خوراک پیامبر(ص)

روایت‌های مختلفی در مورد خوراک پیامبر نقل شده است، از جمله این که ایشان هیچ‌گاه سه شب متوالی سیر غذا نخورد تا رحلت فرمود (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۳۵) گاهی سه ماه متوالی بر خانواده پیامبر(ص) می‌گذشت که آتشی برای پختن غذا روشن نمی‌کردند. زیرا بیشتر خوراک ایشان آب و خرما بود (ابن‌سعد، بی‌تا: ج ۱: ۳۰۷) پیامبر(ص) حتی دو روز پیاپی از نان جو سیر نشد (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۶: ۹۷).

از انس بن مالک نقل است: هرگز در غذای روز یا شب پیامبر(ص) نان و گوشت با هم در سفره نبود، مگر در مهمانی‌ها (طبقات الکبری، ج ۱: ۴۰۴) و از ابوامامه نقل شده که گفته است: هیچ‌گاه در سفره خاندان پیامبر(ص) حتی قطعه نان جوینی هم باقی نمی‌ماند (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۵۴).

۲-۲. پوشاک پیامبر(ص)

پیامبر اسلام از نظر پوشاک و نحوه پوشیدن لباس نیز بسیار ساده زندگی می‌کرد. ساده‌زیستی جزوی از سلوک زندگی پیامبر بود. او هرگز ارزش را در لباس نمی‌دید و معمولاً لباس‌های پشمین و خشن از پنبه و کتان می‌پوشید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۲۷) و می‌فرمود: «پنج چیز را تا زنده‌ام ترک نمی‌کنم... یکی پوشیدن لباس پشمی» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۱۵) از نشانه‌های وارستگی پیامبر آن بود که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی‌دانست: این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می‌شد می‌پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) پیامبر(ص) به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود: ای ابوذر، من لباس خشن و سخت می‌پوشم، روی زمین می‌نشینم، بر چهارپای بی‌زین سوار می‌شوم و ... این‌ها از سنت‌های من است، هر کس از سنن من روی‌گردان شود، از من نیست (طباطبائی،

ساده‌زیستی کارگزاران و ثبات نظام سیاسی؛ مبانی قرآنی و ...

۱۳۸۵: ۱۳۱) از این که لباس مایه فخر مردم گردد به شدت بیزار بود و از آن نهی می‌فرمود و آن را موجب لعن ملائکه آسمان‌ها و زمین می‌دانست (مجلسی، ۱۳۶۴: ۶).

۳-۲. ساده‌زیستی پیامبر(ص) در رفتار با مردم، تواضع و فروتنی

پیامبر(ص) در رفتار و نشست و برخاست و سلوک با مردم هم بسیار ساده و به سان یک فرد معمولی رفتار می‌کرد و دارای تواضع و فروتنی بی‌مانندی بود. او چه در شروع بعثت در دوران مکی و چه در مدینه که علاوه بر مقام رسالت و نبوت رهبر سیاسی و حاکم جامعه اسلامی بود کماکان فروتن و متواضع و در برابر مسلمانان و مؤمنان خاشع بود. قدرت سیاسی هیچ تأثیری در طرز رفتار آن حضرت با مردم نگذاشت، رسول خدا(ص) از سیره پادشاهان و نوع نشست و برخاست و رفت‌وآمد و تشریفات آن‌ها سخت بیزار بود. مردی نزد پیامبر آمد تا با وی سخن گوید. اما چون پیامبر(ص) را دید، دست‌پاچه شد و به لرزه افتاد، حضرت به او فرمود: راحت باش من که پادشاه نیستم، من فرزند همان زنم که گوشت خشکیده می‌خورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۲۹). پیامبر اسلام در توصیه به کارگزاران در برخورد ساده و بدون تکلف با مردم می‌فرماید: «ای معاذ بن جبل (حاکم یمن)، مقام و منزلت مردم را بشناس و رعایت کن (غفاری، ۱۴۲۹: ۶-۲۵) و باز در رعایت فروتنی با مردم می‌فرماید: «ای معاذ (در مقام قاضی و فرماندار)، با مردم به نرمی سخن بگو، و به همه سلام کن... و در برابر همه فروتن باش (غفاری، ۱۴۲۹، ۶-۲۵).

۴-۲. مسکن پیامبر(ص)

خانه و محل سکونت پیامبر بسیار ساده و محقر بود و آن حضرت در خانه خستی زندگی می‌کرد. در زمان ولید بن عبدالملک و به دستور وی حجره‌های همسران رسول خدا ضمیمه مسجد شد، سعید بن مسیب گفت: به خدا سوگند دوست می‌داشتیم که آن حجره‌ها را به همان حال نگه می‌داشتند، تا آن که مردم مدینه و هر کس به آن جا می‌آید، ببیند رسول خدا در زندگی خود به چه مقدار کفایت می‌کرد و موجب شود که مردم از مال‌اندوزی و فخرفروشی دست بردارند و به زهد روی آورند. (طبرسی، ۱۳۵۳، ج ۷: ۱۹۸).

۳. سیره علوی

یکی از الگوها و نمونه‌های کامل و ایده‌آل که در موضوع حکومت‌داری و زمامداری در اسلام و به ویژه از منظر شیعه می‌تواند سرمشق، ملاک، میزان و شاخص باشد، زمامداری امام علی(ع)

می‌باشد. آن حضرت هم در سیره نظری و هم در سیره عملی خود درس‌های آموزنده‌ای دارد که می‌تواند به عنوان الگوی عملی حاکمان، دولتمردان و کارگزاران سیاسی قرار گیرد. زدودن جامعه از تبعیض‌های ناروا و ظالمانه، متوقف ساختن هبه‌های نابه‌جا و جلوگیری از تاراج بیت‌المال، برکناری والیان فاسد از مصادر امور، گماشتن کارگزاران شایسته در ارکان حکومت، تقسیم عادلانه اموال، رعایت عدالت و مساوات در جامعه، ارتقای مبانی اخلاقی، رعایت قناعت و ساده‌زیستی کارگزاران سیاسی از اهداف حکومتی آن حضرت بود. از دیدگاه امام علی(ع) ساده‌زیستی برای کارگزاران حکومت اسلامی یک توصیه نبود، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود.

۴. ضرورت ساده‌زیستی کارگزاران

از منظر امام علی(ع) از بهترین ویژگی‌های دولت مطلوب اسلامی ساده‌زیستی مسؤولان آن است. ساده‌زیستی از جمله خصایصی است که برای تمام افراد جامعه ارزش محسوب می‌شود، اما برای مسؤولان و مدیران جامعه، یک ضرورت است چنان‌چه می‌فرمایند خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا رنج فقر، مستمندی را ناراحت نکند(نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۹). در جای دیگر می‌فرماید: خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره‌ی خودم و خوراک و پوشاکم مانند مردمان ناتوان عمل کنم تا این که فقیر به سیره فقیرانه من تاسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۱۰).

سخت‌گیری امام علی(ع) نسبت به کارگزاران خود در ساده‌زیستی و مصرف بیت‌المال تا بدان‌جاست که آنان را ملزم به صرفه‌جویی در حدی می‌کند که به آنان می‌فرماید: نوک قلم‌ها را باریک و فاصله سطرها را کم کنید و از زیاده‌روی در هزینه نمودن بیت‌المال بپرهیزید، زیرا که اموال مسلمانان نباید متحمل ضرر شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۱: ۱۰۵).

به دلیل همین ضرورت است که امام علی(ع) در دوره حکومت خود نه تنها به کارگزاران و مدیران اجتماعی خود توصیه می‌نماید و اندرز می‌دهد که ساده‌زیستی را رعایت کنند، بلکه در صورت اجتناب و استنکاف از این مهم آنان را مورد سرزنش و توبیخ و تنبیه و عزل و برکناری قرار می‌دهد. در این‌جا به ذکر دو نمونه از آن می‌پردازیم:

۴-۱. عثمان بن حنیف استاندار بصره

وقتی به امام علی(ع) خبر می‌رسد که کارگزار او «عثمان بن حنیف» در بصره به مهمانی یکی از ثروتمندان آن شهر رفته که در آن مهمانی غذاهای رنگارنگ دیده شده و جای فقرا خالی بوده است، او را سخت سرزنش کرده و به وی گوشزد می‌کند که گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان به جفا رانده شده‌اند (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵).

۴-۲. شریح قاضی

«شریح» پسر حارث یکی از قضات دوره زمامداری امام علی(ع) خانه‌ای خریده بود و سعی داشت با گرفتن شهود برای خانه، سندی تهیه نماید، وقتی به امام علی(ع) خبر رسید. امام ناراحت شد و نامه‌ای به شریح نوشت که بسیار جالب توجه است. امام علی خطاب به شریح می‌فرماید: «به من خبر داده‌اند خانه‌ای به هشتاد دینار خریده‌ای... شریح مبدا این خانه را جز از مال خود خریده باشی یا بهای آن را جز از راه حلال به دست آورده باشی که آن‌گاه خانه دنیا را زیان کرده‌ای و خانه آخرت را از دست داده‌ای... این خانه از چهار سو، در این چهار حد جای گرفته است. حد نخست بدان‌جا که آسیب‌ها و بلا در کمین است و حد دوم بدان‌جا که مصیبت‌ها جایگزین و حد سوم به هوسی که تباہ سازد و حد چهارم به شیطانی که گمراه سازد و در خانه به حد چهارمین گشاده است و شیطان بدان‌جا ایستاده (نهج‌البلاغه، نامه، ۵۳).

۴-۳. پرهیز کارگزاران از تشریفات

یکی از نشانه‌های مردمی بودن مدیران و کارگزاران پرهیز از تشریفات است. عزت و شوکت حاکم و زمامدار و کارگزار در نظام اسلامی به تشریفات ظاهری و خیره‌کننده نیست، بلکه سادگی و بی‌پیرایگی زب و زیور حال آنان است. در سیره امام علی(ع) تأکید بر این نکته فراوان به چشم می‌خورد. بارزترین نمونه آن داستان دویدن مردم شهر انبار^۱ پیشاپیش آن حضرت است. وقتی دهقانان آن سرزمین به استقبال حضرت آمدند و بدین منظور پیاده شدند و در رکاب ایشان شروع به دویدن کردند. امام موكداً آنان را از این کار برحذر داشت و خطاب به آنان فرمود: «اما این که گمان می‌کنید این‌گونه امیران را بزرگ می‌دارید و احترام می‌گذارید، به خدا سوگند که این دویدن شما، سودی برای آنان ندارد و شما فقط خود را به رنج می‌افکنید و پیکرتان را آزرده می‌سازید، دیگر چنین نکنید (ابن‌مزامح، ۱۴۰۴: ۱۴۴)

۱. شهری در ده فرسنگی غرب بغداد و از شهرهای آباد عصر ساسانی.

۴-۴. ضرورت قناعت و زهد برای کارگزاران

حضرت علی(ع) می‌فرماید: عزت و سربلندی نتیجه قناعت است (محمدی‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۶۸۶) و یا می‌فرماید: «چیزی که به آن می‌توان اداره کرد زندگانی را بس است» (تنکابنی، ۱۳۷۶) و در قصار دیگری می‌فرماید: شیفتگی دنیا کلید دشواری و مرکب گرفتاری است، گنجی را بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت و مالی را پر برگت‌تر از بسنده کردن به روزی روزانه نمی‌دانم (نهج‌البلاغه، قصار، ۳۷۱). امام علی(ع) در میان همه صفات خوب «صعصعه بن صوحان» و «زیدبن صوحان» دو تن از یاران خود را به دلیل کم‌هزینه بودن می‌ستاید (دلشادتهرانی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۳۸).

زهد از مواردی است که امام علی(ع) موکداً به رعایت آن پرداخته است. بین زهد و قناعت و ساده‌زیستی رابطه نزدیک وجود دارد. یکی از لوازم زهد دل‌کندن از دنیا و پیشه نمودن قناعت است. امام علی(ع) زهد را مایه آرامش دنیا و سعادت اخروی می‌داند چنان‌چه می‌فرماید: «میوه زهد آسایش است» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۲۷۶).

از منظر امام علی(ع) زهد و ساده‌زیستی بستر مناسب و راحتی را برای درک وضعیت محرومان و مستمندان و همدردی با ایشان فراهم می‌کند. بدون داشتن زندگی ساده و زاهدانه این همدردی بسیار دشوار و حتی گاهی غیرممکن است. اگر افراد جامعه به خصوص مدیران و رهبران جامعه زندگی ساده و همراه با زهد را برگزینند هم درد و رنج محرومان را لمس می‌کنند و هم با آنان همدردی خواهند کرد.

۴-۵. پرهیز از فخرفروشی، غرور و خودپسندی

امام علی(ع) در بحث اخلاق رهبری به حاکمان در مورد چگونگی و روش برخورد با مردم توصیه می‌نماید، برخوردی که عاری از هرگونه خوی اشرافی‌گری و نخوت و خودپرستی و خودبرتربینی، توأم با رأفت و مهربانی و در کمال سادگی و بی‌آلایشی باشد، چنان‌چه خطاب به مالک‌اشتر می‌فرماید: اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خودبزرگ‌بینی شدی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از حکومت توست بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات دهد، و تندروی ترا فرو نشاند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «پرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند پنداری و در شکوه خداوندی همانند او دانی، زیرا خداوند هر کسی را خوار می‌سازد و هر خودپسندی را بی‌ارزش می‌کند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). مردمی بودن حاکمان و با مردم بودن

زمانداران از عوامل مهمی است که موجب انسجام اجتماعی می‌شود و از منظر نهج‌البلاغه انسجام اجتماعی از عوامل ثبات و قوام جوامع است.

۴-۶. نفی فزون‌خواهی و فساد مالی مدیران

یکی از آفات مهم در حکومت و حاکمیت فزون‌خواهی حاکمان و کارگزاران است که از عوامل فساد در جنبه‌های مختلف اجتماعی به ویژه در مسائل اقتصادی و مالی است. فزون‌خواهی مصادق خودبزرگ‌بینی، خودخواهی و در دام نفس گرفتار شدن است و سر منشاء بسیاری از انحرافات، ظلم و رفاه‌طلبی است. مدیرانی که دارای روحیه فزون‌خواهی و رفاه‌طلبی باشند، همواره خود را برتر از دیگران می‌دانند و سعی می‌کنند که از راه‌های متعدد، تمام منابع و امکانات موجود را به خود اختصاص دهند. زیاده‌خواهی سبب می‌شود که مدیران به حقوق و مزایای قانونی اکتفا نکرده و بازدویندهای رایج، سعی در به تملک درآوردن اموال و امکانات دارند، اختلاس از راه‌های مختلف، رواج رشوه در سازمان‌ها تحت عنوان هدیه، زیرمیزی، شیرینی، حق‌التسریع و نظایر آن از مصادیق فزون‌خواهی و زیاده‌طلبی می‌باشند (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). حضرت علی(ع) هدیه را خیانت و اختلاس و رشوه را در حد شرک تعریف کرده می‌فرماید: «هر حاکمی که از حوائج مردم جلوگیری کند، خداوند روز قیامت از حوائج او ضمانت خواهد کرد، اگر هدیه‌بگیر خیانت است، رشوه بگیر مشرک است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۳۰۸).

حضرت علی(ع) تأکید می‌کرد که کارگزارانش در سلوک اجتماعی خود بر مردمان، امتیازجویی نکنند و در آنچه همگان برابرند، برای خود امتیاز قرار ندهند، چنان که در نامه به مالک‌اشتر، به او چنین فرموده است: «بپرهیز از آن که چیزی را ویژه خود گردانی که بهره همه مردم در آن، یکسان است (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

۵. امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در باب مبارزه با نفس و گرایش‌های حیوانی و شهوانی انسان به تفصیل سخن گفته‌اند، کتاب مبارزه با نفس یا جهاد اکبر ایشان در همین زمینه به رشته تحریر درآمده است. امام خمینی(ره) در رابطه با این که توجه به دنیا و دنیاپرستی موجب حجاب‌های ظلمانی در قلب و نگرش انسان می‌شود همواره هشدار داده‌اند. این معنا را به خوبی در کتاب مذکور تبیین و تشریح نموده‌اند به عنوان مثال در بخشی از کتاب ذکر شده چنین نوشته‌اند. «توجه به

غیرخدا انسان را به حجاب‌های ظلمانی محجوب می‌نماید، کلیه امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند متعال شود، باعث حجب ظلمانی می‌شود، تمام عوالم اجسام حجاب‌های ظلمانی می‌باشد و اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت باشد، حجاب‌های ظلمانی به حجب نورانی مبدل می‌گردد و کمال انقطاع آن است که حجب ظلمانی و نورانی پاره‌پاره و کنار زده شود تا به مهمانسرای الهی که معدن عظمت است بتوان وارد گردید. ولی کسی که هنوز حجاب‌های ظلمانی را پاره نکرده، کسی که تمام توجه او به عالم طبیعت است و اصولاً از ماوراء دنیا و عالم روحانیت بی‌خبر بوده منکوس الی‌الطبیعه است و هیچ‌گاه در مقام برنیامده که خود را تهذیب کند. حرکت و نیروی روحانی و معنوی در خویشتن ایجاد نماید و پرده‌های سیاهی را که روی قلب او سایه افکننده کنار زند، در اسفل سافلین که آخرین حجب ظلمانی است قرار دارد.

امام خمینی(ره) دنیاطلبی و دنیاگرایی را عامل مصائب دنیای کنونی می‌داند و می‌گوید: آن‌هایی که امروز قسمتی از جهان را به آتش و خون کشیده، کشت و کشتار به راه انداخته، برای این است که می‌خواهند در چپاول ملت‌ها و بلعیدن سرمایه‌ها و دسترنج آنان بر یکدیگر سبقت گیرند و کشورهای ضعیف و عقب افتاده را تحت سلطه و اسارت خود درآورند» (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۱۶).

دنیاگرایی از دیدگاه امام خمینی(ره) از بیماری‌های خطرناک است که اگر علاج نشود انسان را به ورطه هلاکت و نابودی می‌کشاند. «خدا نکند انسان به امراض بی‌درد مبتلا شود... مرضی که بی‌درد است و احساس نمی‌شود، بسیار خطرناک می‌باشد... مرض غرور و خودخواهی بی‌درد است. معاصی دیگر بدون ایجاد درد، قلب و روح را فاسد می‌سازد. این مرض‌ها نه تنها درد ندارد، بلکه ظاهر لذت‌بخشی نیز دارد... حب نفس و حب دنیا که ریشه همه گناهان است لذت‌بخش می‌باشد. مستقسی^۲ از آب تلف می‌شود، ولی تا آخرین نفس از آشامیدن آن لذت می‌برد... اگر انسان به مرض دنیاپرستی و هواخواهی مبتلا شد، محبت دنیا قلب او را فراگرفته، از غیر دنیا و مافی‌ها بیزار می‌شود.

این مباحث امام خمینی(ره) در مورد حب دنیا و دنیاگرایی و خطرات آن، اندرزهای حکیمانه‌ای است که از یک بینش و نگرش و معرفت عمیق و از یک درک و جهان‌بینی الهی و انسان‌شناسی

۱. از امام حسین(ع) حدیث داریم که: «رأس کل خطیئه حب الدنيا» (اصول کافی، ج ۴ و بحارالانوار، ج ۷۰).
۲. مستقسی: کسی که به مرض استقسا مبتلاست و «استقسا» نام مرضی است که بیمار آب بسیار خواهد (فرهنگ معین).

ناشی از آن جهان‌بینی منشأ می‌گیرد. از یک جهان‌بینی متافیزیکی و ماوراءالطبیعی و الهی، جهان‌بینی‌ای که نقطه مقابل فلسفه ماتریالیستی و اومانیستی است. معرفت امام خمینی(ره) نشأت گرفته از آموزه‌های اسلامی و مبانی قرآنی و سنت و سیره معصومین(ع) می‌باشد. بنابراین توصیه‌های آن حضرت از یک بنیان نظری و مکتبی ریشه‌دار نشأت می‌گیرد و آن معرفت الهی است. سخنان امام در باب عدم وابستگی به دنیا و دنیاگرایی و مذمت دنیاگرایی ریشه در قرآن و سنت رسول الله و مکتب اهل بیت دارد.

۱-۵. توصیه‌های امام خمینی(ره) در مورد ساده‌زیستی کارگزاران سیاسی

امام خمینی(ره) همواره در بیانات خود در مورد توصیه به ساده‌زیستی کارگزاران حکومت، از کیفیت زندگی رهبران صدر اسلام به ویژه پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) مثال می‌زد و آن بزرگواران را به عنوان الگو و سرمشق بر حاکمان اسلامی و دولتمردان جمهوری اسلامی قرار می‌داد. چنانچه در بخشی از این بیانات چنین می‌فرماید «خود پیغمبر ما هم شبانی کرده است، هم از همین توده مردم، از همین طبقه سه بوده است. پیغمبر منزلش آن اتاق‌هایی بود که با گل درست کرده بودند... معذک پیغمبر همین طبقه سه را، همین مستضعفین را جمع کرد و جنگ‌ها را با این‌ها شروع کرد، برخلاف سرمایه‌دارها و برخلاف قلدرها و برخلاف شتردارها و برخلاف قافله‌دارها... پیغمبر اکرم از همین جمعیت پائین بود، از همین بین جمعیت پا شد و قیام کرد، اصحاب او از همین مردم پائین بودند. از طبقه سوم بودند، آن طبقه بالا مخالفین پیغمبر اکرم(ص) بودند(آژین، ۱۳۷۴: ۷-۲۵۶).

امام خمینی(ره) در جایی دیگر از بیانات خود به فرهنگ ساده‌زیستی حاکم بر جامعه صدر اسلام اشاره نموده و در رابطه با یکسان بودن رهبران جامعه اسلامی با مردم عادی از نظر سطح زندگی و رفاه مادی و دنیوی اندرز داده و چنین می‌گویند: «خود پیغمبر را هر کس که سیره نوشته است از رسول اکرم، نوشته و وضعش در زندگی کمتر بوده است از این مردم عادی که آن وقت در مدینه زندگی می‌کردند. اطاق‌های گلی این‌ها داشتند. توی مسجد یک اطاق گلی داشتند. سوار الاغ می‌شده است یک کسی هم دنبالش، پشت سرش می‌نشسته و می‌رفته... شما بیاورید یک حاکمی، یک رئیس کلانتری، یک کدخدای یک شهری، یک دهی بیاورید که این طور باشد، سلوکش با ملت این باشد (آژین، ۱۳۷۴: ۵۳۷). امام خمینی(ره) در جایی دیگر باز با تأسی از سنت و سیره حضرت علی(ع) به اندرز در مورد ساده‌زیستی کارگزاران می‌پردازد و زندگی آن حضرت را در دوره زمامداری مثال می‌زند.

«حاکمی که از طرف خدای تبارک و تعالی تعیین شد برای امت آن شخصی بود که وقتی به حکومت رسید در حال حکومتش، زندگیش، از جمیع زندگی امثال ماها و شماها، طلاب علوم دینی یا امثال این بقالها و کاسبها، زندگی او پست‌تر بود. یک تکه نان جو بود که در آخر عمر مبارکشان - از قراری که گفته شده است- از بس خشک بود، حضرت با دستشان نمی‌توانستند بشکنند، با زانو می‌شکستند، آن نان را با آب تناول می‌کردند، این حکومت اسلام بود - می‌فرمود که به طوری که نقل شده است- من می‌ترسم که در یکی از حوالی مملکت من یک وقت گرسنه‌ای باشد، چطور من بخوابم سیر و رعیت من یک نفرشان ولو در بعضی از اجزای مملکت، این‌ها گرسنه باشند... وقتی برایش برحسب تاریخ نمک آوردند و شیر آوردند، رو کرد که تو چه وقت دیده بودی که من دوتا چیز داشته باشم. می‌آید نمک را بردارد، می‌فرماید که نه شیر را بردار، من همان نمک را می‌خورم» (آژین، ۱۳۷۴: ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۲). امام پس از ذکر این مثال‌ها از نحوه زندگی و سیره معصومین به ویژه در دوره زمامداری و حاکمیت آنان برای مسؤولین و کارگزاران و مدیران نظام جمهوری اسلامی ایران در فرازی از سخنان خود می‌گویند «البته ما نمی‌توانیم یک همچین حکومتی پیدا کنیم، اما می‌توانیم که یک حکومتی که دزد نباشد پیدا کنیم، یک حکومتی که مال مردم را نخورد» (آژین، ۱۳۷۴: ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۲).

امام خمینی(ره) با عنایت به این مطالب و ذکر ساده‌زیستی رهبران صدر اسلام که از مهمترین علل و عوامل موفقیت مسلمانان صدر اسلام بود و توصیه به الگوگیری از آنان در حد توان برای مسؤولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در حفظ و رعایت ساده‌زیستی به دو قشر و به دو گروه به صورت ویژه توصیه می‌نماید و آن دو دسته عبارتند از «علما و روحانیون» و «کارگزاران و دولتمردان». امام خمینی معتقد است اصلاح و سالم بودن این دو گروه، موجب اصلاح و سلامت جامعه می‌شود و از سوی دیگر فساد و تباهی آنان عامل فساد ملت و جامعه و عامه مردم خواهد بود. بنابراین بر حفظ خوی ساده‌زیستی و پرهیز و اجتناب از رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی و دنیامداری از سوی این دو گروه به کرات و با دغدغه خاصی توصیه می‌کند و انداز می‌دهند. «طبع کاخ‌نشینی منافات دارد با تربیت صحیح، منافات دارد با اختراع و تصنیف و تألیف و زحمت» و آنگاه موفقیت شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری را در آن همه تألیف و نگارش و مقام علمی مثال می‌زند و می‌گویند: از یک آدمی که علاقه به شکم و شهوت و مال و منال دارد این کارها بر نمی‌آید... ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ‌نشینی را از این

ملت بزدائیم ... خوی کاخ نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است... آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روزی است که باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم، آن روزی که رئیس‌جمهور ما خدای نخواسته از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روز که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواسته و از این خوی ارزنده کوخ‌نشینی بیرون روند، آن روز است که برای این کشور باید فاتحه بخوانیم» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۸ : ۲۱۷).

این سخنان امام دقیقاً انسان را به یاد قصی می‌اندازد که قرآن کریم در ذکر انحطاط و انقراض ملل گذشته به آن پرداخته است که به ذکر بخشی از آن پرداختیم و مللی که به دلیل گرفتار شدن حاکمان و زمامداران آن‌ها به فساد گرائیده شدند و انحطاط و اضمحلال سرنوشت محتوم آن‌ها بود که ما در این مقاله سرنوشت اقوامی مانند قوم ثمود، قوم عاد، داستان نمرود، قوم لوط، قوم ایکه، فرعون، قارون از زبان قرآن ذکر کردیم و این به خوبی نشانه اقتباس امام خمینی(ره) از معرفت قرآنی در ضرورت ساده‌زیستی و بی‌توجهی به تجملات و دنیاگرایی برای مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این اندازهای امام خمینی(ره) با کاربرد کلمه «فاتحه خواندن» برای دولت و ملت در صورت بروز چنین آفتی چنین تصور می‌شود که امام خمینی(ره) دارد سرگذشت ملل گذشته را براساس قرآن بیان و تطبیق می‌نماید. هشدارهای امام خمینی(ره) نشأت گرفته از انداز قرآن در قصص ملل و اقوام گذشته است که دنیاگرایی در میان رهبران دینی و سیاسی آنان موجب انحطاط و سقوط جامعه آن‌ها گردید که قبلاً به آن پرداختیم.

مفاد توصیه‌های امام به کارگزاران سیاسی در رابطه با رعایت ساده‌زیستی سرمشق گرفتن آنان از رهبران صدر اسلام بود «ملتفت باشید که شمایی که الان به حکومت رسیدید، حکومت نیست، خدمتگزار هستید، اسلام، حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمتگزار دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۷-۷۶). می‌بینیم در این جا باز امام با تأسی به نحوه زمامداری در صدر اسلام توصیه می‌نماید. همان‌طور که در آن دوره قدرت و کسب آن اصلاً ملاک نبود بلکه تربیت و خدمت بر همه چیز تقدم داشت.

«خدا نیاورد آن روزی که سیاست ما و سیاست مسؤولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و روی آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت

بیشتر برخوردار بشوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۲۰: ۱۳۰) ملاحظه می‌شود که باز هم با توجه به قصص قرآنی در مورد روش زندگی انبیاء از زندگی ساده آنان مثال می‌زند و از سوی دیگر به سنت امام علی(ع) در حکومت‌مداری استناد می‌کند.

و باز هم امام خمینی(ره) با استناد صریح به قرآن کریم و معرفت حاصل از کتاب آسمانی چنین می‌فرماید: «از حجب غلیظ که پرده ضخیم است بین ما و معارف و مواظب قرآن، حجاب حب دنیا است که به واسطه آن قلب، تمام هم خود را صرف آن کند و وجهه قلب یکسره دنیوی شود و قلب به واسطه این محبت از ذکر خدا غافل شود و از ذکر و مذکور اعراض کند. و هرچه علاقه‌مندی به دنیا و اوضاع آن زیادت شود، پرده و حجاب قلب ضخیم‌تر گردد و گاه شود که این علاقه به طوری بر قلب غلبه کند و سلطان حب جاه و شرف به قلب تسلط پیدا کند که نور فطرت الله به کل خاموش شود و درهای سعادت به روی انسان بسته شود. و شاید قفل‌های قلب که در آیه شریفه است که می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» آیا در قرآن تدبر نمی‌کنید مگر بر دل‌هایشان قفل‌های نهاده شده است (محمد، ۲۴). همین قفل و بندهای علاقه دنیوی باشد. و کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواظب الهیه بهره بردارد، باید قلب را از این امور تطهیر کند و لوث معاصی قلبیه را، که اشتغال به غیر است، از دل براندازد، زیرا که غیرمطهر محرم این اسرار نیست» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

«معنویات اساس اسلام است. سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکاهید (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۷۳) در فرازهایی دیگر از بیانات خود می‌فرمایند: «توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسان‌ها بازمی‌دارد و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی، انسان را به مقام انسانیت می‌رساند (از بلندای عرفان، ۱۳۷۸: ۲۰).

نتیجه‌گیری

هدف از نگارش این مقاله بررسی بنیان‌های قرآنی و روایی (سنت و سیره نبوی و علوی) و تأثیرپذیری اندیشه و سیره امام خمینی(ره) در چگونگی تأثیر ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و دنیاگرایی به ویژه کارگزاران سیاسی و دولتمردان بر سلامت، ثبات و دوام و قوام سیاسی و الهام گرفتن امام خمینی از این بنیان‌های قرآنی و روایی در توصیه او به کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران با دغدغه‌ای همراه با انداز و هشدار است. و از سوئی دیگر با الهام از

همین معرفت قرآنی و روایی گوشزده‌های امام خمینی(ره) در مورد سیر انحطاط و فساد که در اثر رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی، دنیا زده شدن و سرانجام بدفرجامی که براساس فلسفه تاریخ قرآن و آموزه‌های پیامبر(ص) و امام علی(ع) لاجرم گریبان‌گیر این قبیل جوامع خواهد شد بود. به خوبی براساس آن‌چه در بخش‌های قبل این مقاله ذکر شد معلوم گردید که امام خمینی(ره) در بحث تأثیر ساده‌زیستی کارگزاران سیاسی بر سلامت و ثبات جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر مخاطرات ناشی از فراموشی ساده‌زیستی و روی آوردن به رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی و دنیاطلبی و دغدغه‌های دائمی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره در کلام، بیانات، سخنان و اندرزها و اندازهای او مشهود بود و مکرر به دولتمردان و کارگزاران سیاسی متذکر شدند، منبع و منشاء این معرف بینش قرآنی، روایی و تاریخی آن حضرت می‌باشد که در کل باید گفت ناشی از آموزه‌های اسلامی است. امام خمینی(ره) به عنوان یک عالم شیعی متعلق به مکتب عقل‌گرای شیعه و فقیه‌ی برخاسته از فقه اجتهادی اصولی که با تفسیر و تأویل عقلایی گذشته را بر حال و آینده منطبق می‌کند از کلام خداوند در قرآن و سیره معصومین در زمینه موضوع مورد بحث برای بهره‌برداری و در حکومت موردنظر خود به خوبی استفاده می‌کند همان‌گونه که در بحث ولایت فقیه از ادله عقلی و نقلی بهره می‌برد، در این جا هم براساس همین روال با استدلال‌ها و برهان‌های روشن مبتنی بر الهام از قرآن و حدیث و سیره به ذکر مخاطرات ناشی از تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی کارگزاران سیاسی و دولتمردان برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

امام خمینی(ره) با پند گرفتن از قرآن کریم و سرنوشت و سرگذشت امم و مللی که در اثر تکاثر و اسراف و خوی طاغوتی که در قرآن بیان شده و الهام از آموزه‌های معصومین و ائمه و سبک و سلوک زندگی ساده و بی‌آلایش و محقرانه آنان به ویژه در دوره زمامداری پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) و همچنین خطرات و مصائبی که به دلیل گرایش امت اسلامی به دنیاگرایی و عدم رعایت ساده‌زیستی و قناعت و علی‌الخصوص در بین حاکمان و زمامداران آن‌ها، با معرفتی مبتنی بر قرآن و سنت و نگرشی تاریخی به این خطر و آسیب مهلک اجتماعی وقوف داشت و از این منظر دغدغه و دلمشغولی خود را به صراحت ابراز می‌کرد و از آفات آن مسؤولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی را بر حذر می‌داشت تا جایی که گرفتاری به این آسیب را از عوامل بی‌ثباتی، عدم سلامت و فروپاشی نظام قلمداد می‌نمود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدی، مسعود (۱۳۸۹)، *مدیریت اسلامی*، ساری: انتشارات پژوهش های فرهنگی.
آزین، محسن (۱۳۷۴)، *اندیشه های اقتصادی امام خمینی (ره)*، تهران: سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی.

تنکابنی، مرتضی (۱۳۷۶)، *الحديث، گفتار حکیمانه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
خانمحمدی، کریم (۱۳۹۵)، «مبانی جامعه شناسی در قرآن»، *فصلنامه علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۱۵.

موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۷۲)، *کلمات قصار*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۷۶)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی.
موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۸۰)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۹۰)، *مبارزه با نفس یا جهاد اکبر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۹۲)، *تقریرات فلسفه*، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، امام روح الله (۱۳۹۴)، *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دشتی، محمد (۱۳۹۳)، *نهج البلاغه*، تهران: مؤسسه فرهنگی و تبلیغاتی امیرالمؤمنین.
دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰)، *عارض خورشید*، تهران: دریا.
دلشاد نبوی، مصطفی (۱۳۹۴)، *سیره نبوی*، ج ۱، تهران: دریا.
طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، *سن النبی*، ترجمه محمدهادی نعمتی، قم: بوستان کتاب.
طبرسی، ابوعلی بن حسن (۱۳۵۳)، *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه احمد بهمنش، تهران: فراهانی قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، ج ۸، تهران: مرکز فرهنگی درس هائی از قرآن.

ساده‌زیستی کارگزاران و ثبات نظام سیاسی؛ مبانی قرآنی و ...

قمی، عباس (۱۳۹۲)، سفینه البحار، ج ۲، تهران: نشر اسوه.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارکتب اسلامیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴)، حلیه المتقین، تهران: انتشارات رشیدی.
محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، ج ۸، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴)، ره‌توشه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۶)، تفسیر الکاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، ج ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نمازی، حسین (۱۳۸۰)، امام خمینی (ره) و کارگزاران حکومت، قم: یاقوت.
یاقوت، حموی بغدادی (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ج ۵، ترجمه علی‌نقی مروی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

ب) منابع عربی

ابن سعد، محمد بن سعد (بی‌تا)، طبقات الکبری، ج ۱، بیروت: دارصادر.
ابن شعبه حرانی، حسن ابن محمد (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
ابن مزاحم، نصر (۱۴۰۴)، وقعه صفین، قم: مؤسسه العربیه الحدیثه.
ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، مسند احمد، ج ۶، بیروت: دارصادر.
تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
حراملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶)، الاحتجاج، ج ۱، نجف: دارالنعماه.
طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
غفاری، علی‌اکبر (۱۴۲۹)، تحقیق تحف العقول، ج ۸، قم: جامعه مدرسین.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، لبنان، بیروت: مؤسسه الوفا.
مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰)، امتناع الاسماء، ج ۲، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، تفسیر کشف الاسرار، ج ۲، تهران: امیرکبیر.